

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۳ اپریل ۲۰۱۸

## اعتصاب غذا و طالب

۲

دوشنبه- ۱۳ حمل ۱۳۹۷- کابل: قبل از ورود به قسمت دوم بحث باید با کمال حسن نیت بنویسم که من نه از لحاظ سن و سال و نه هم تجارب مبارزاتی در حدی نیستم تا به خود صلاحیت دهم راجع به مسأله اعتصاب غذا، خوبی و بدی آن حکم صادر نمایم، بلکه آنچه را فکر می کنم درست است تقدیم خوانندگان می نمایم، مطمئناً از تصحیح آن استقبال خواهم نمود.

۴- اعتصاب غذا به نظر من شکلی از مقاومت منفی است که اعتصاب کننده بعد از آن که دسترسی اش را به سایر اشکال و ابزار مبارزاتی از دست داد و امکان آن را نیافت تا دشمن را وادار به پذیرش مواضعش با استفاده از سایر ابزار مبارزاتی به عقب نشینی و دار سازد، با دست زدن به اعتصاب غذا یا به عبارت دیگر حیات خود را جهت تحقق اهداف در میدان مبارزه قرار دادن، می خواهد به اهدافش دست یابد.

۵- به نظر من ذات و نفس حیات خود را وسیله تحقق هدف قرار دادن زمانی می تواند مفید و مؤثر باشد که طرف مقابل و اوضاع:

**الف-** به مانند اعتصاب کننده به ادامه حیات وی علاقه مند باشد و نخواهد اعتصاب کننده رنج گرسنگی و عوارض ناشی از آن را بعداً تحمل نماید- فکر می کنم بین ما کسی نباشد که در کودکی زیر نام قهر کردن، یک و یا چند بار جهت تحقق اهداف کودکانه مان از دسترخوان برنخاسته و به نحوی به اعتصاب غذا دست نیازیده باشیم و بعد از شنیدن اندکی ناز و نوازش از جانب والدین مجدداً به غذا روی نیاورده باشیم-

**ب-** به دور از احساس علاقه مندی به ادامه حیات، در قبال ادامه حیات و صحت اعتصاب کننده احساس مسؤولیت، اخلاقی، سیاسی و اجتماعی نماید و این را بداند که عدم توجه به شنیدن صدای اعتصاب کننده، وجهه و سیمای حاکمیت را نزد دیگران خدشته دار ساخته اتهام فاشیست و یا امثالهم بر وی زده می شود.

**پ-** اعتصاب غذا در یک هماهنگی با کلیت جنبش مبارزاتی و با برخورداری از حمایت رسانه ها صورت گرفته و عدم توجه بدان، باعث گردد تا از طریق رسانه ها و انتقال پیام اعتصاب کننده به کلیت جنبش، مبارزه علیه حاکمیت و یا مقابل اعتصاب کننده ابعاد دیگری یافته، هزینه خاموش ساختن آن به مراتب گرانتر از گردن گذاشتن به خواست اعتصاب کننده باشد.

**ت-** به اساس فعالیت رسانه ها و همسوئی مردم با اعتصاب امواج حمایت از اعتصاب کننده گسترش یافته از داخل یک کشور به بیرون مرز های آن کشور سرایت نموده، مشکلات سر راه آماج اعتصاب فزونتر از حد گردد.

**ث-** آماج اعتصاب و یا طرف مقابل اعتصاب کننده مطمئن باشد که تا به تقاضای اعتصاب کننده پاسخ مثبت ندهد وی دست از اعتصاب نکشیده خودش را به کشتن می دهد، مگر از حرفش بر نمی گردد،

**ج-** آماج اعتصاب از اول همه چیز من جمله مرگ اعتصاب کننده و پس لرزه های بعدی آن را قبول نکرده باشد. در چنین حالاتی امکان این که اعتصاب غذا به مثابه آخرین ابزار مبارزاتی یک زندانی دربند و یا انسان مستأصل و ناتوان مؤثریت و معقولیت داشته باشد، می تواند منطقی باشد در غیر آن:

باز هم بر می گردیم به قهر های کودکی خود ما. مادری را فرض کنید که در تحمیل اراده اش بر فرزند و یا فرزندان "قاروک" سخت تر از سنگ خارا ایستاده شده، وقتی طفلش قهر نمود، دستش را گرفته در پسخانه تا زمانی زندانی نماید که طفل برای یک لقمه نان چون باران بهاران سیل اشک جاری کرده دوصد مرتبه "توبه کرده ام و ..." بگوید، و کسی هم در تمام خانه جرأت نکند علیه اراده مادر حتا به گریه های طفل توجهی نماید، مقابل چنین مادری کدام طفل حاضر می گردد باز هم قهر نماید و نان نخورد؟

حال با قبول این که در "مثال مناقشه نیست"، وقتی مادری با تمام احساس و عواطفش و تحمل رنج ناشی از دیدن رنج فرزند دلبدنش قادر می گردد، طرف مقابل را بشکند، نزد خود تصور نمائید به جای آن مادر طرف مقابل اعتصاب کننده حاکمیت های خونریز و جلادی از قماش طالبان، خلق و پرچم، صهیونیست های اسرائیل و اشغالگران امپریالیستی را؛ که نه به حیات اعتصاب کننده علاقه مند هستند؛ نه از رنجش، رنج می کشند؛ نه از تأثیرت سیاسی، اخلاقی و اجتماعی مرگ اعتصاب کننده احساس گناه و یا ترس دارند؛ و نه هم حاضراند در ازای جلوگیری از مرگش چیزی بدهند بلکه خوشحال هم می شوند، در چنین حالتی به نظر من دست زدن به اعتصاب غذا چیزی کمتر از خود آزاری نیست.

به خصوص وقتی انسان می بیند که برای اعتصاب غذا کننده، تشبث به اعتصاب آخرین سلاح ممکن آنها نیست، آنها در زندان نیستند تا وسیله مبارزاتی دیگری در اختیار نداشته باشند، بلکه در بیرون از زندان و در داخل جامعه اند و می توانند با بسیج توده های میلیونی کشور، حاکمیت دست نشانده و رقبای قدرتش را در وجود طالب، داعش و... نه تنها وادار به مصالحه نمایند، بلکه به مانند خس و خاشاک از سر راه خود برداشته به زباله دان تاریخ بیندازند، باز هم دست به اعتصاب غذا زدن، عقل قاصر من به معنایش قد نمی دهد.

**دیده شود چه می شود!!!**